

مقدمه :

گوهر اسلام ، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده است. حجاب زن از آن نظر اهمیت دارد که نه تنها حافظ اخلاق و تجسم تقوا و عفت در سطح جامعه است. بلکه وجود چنین حکمی در اسلام ، نوعی بزرگداشت زن مسلمان و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه های مردان است.^۱

از لحاظ لغوی :

حجاب: حجب ، پرده داران .^۲ کرانه و سری چیزی .^۳ چادر ، پرده حجب ، حایل میان دو چیز یا دو انسان .^۴ در پرده داشتن ، پوشش روگیری ، ستر ، عفاف ، روپوش ، روبند ، آنچه که با آن چیزی را بپوشانند^۵ ، ساتر.^۶

از لحاظ اصطلاحی :

در اصطلاح شرع : پوشیدن زن ، خویشتن را از مرد نامحرم ، از دستورات شرع مقدس اسلام و از ضروریات و بدیهیات این دین و همه ادیان آسمانی است.

۱

^۲ محمد معین ، فرهنگ معین ، زرین ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۰۶۲

^۳ مریم صوفی فرهنگ معلم ، فراین ، ۱۳۸۰ ، ص ۴۰۶

^۴ سید مصطفی حسینی دشتی ، معارف و معاریف ، آرایه ، ۱۳۸۵ ، لغت حجاب

^۵ حسن عمید ، فرهنگ عمید ، ۱۳۷۵ ، لغت حجاب

^۶ لوئیس معلوف ، المنجد ، محمد بندرریگی ، ایران ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۵۱

حجاب عبارت است از این که زن خود را به نحوی از نامحرم بپوشاند ، که اگر پشت پرده قرار گرفت عضو و برآمدگی از او دیده نشود و جلب توجه نکند و منظور از سترکه در کتب فقهی آمده به همین معنی است.^۱

مفهوم حجاب :

بنابراین حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن ، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن ، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود ، گاهی ممکن است بُعد اولی باشد ولی بُعد دوم نباشد در این صورت حجاب اسلامی محقق نشده است.

تاریخچه و پیشینه حجاب :

دانشمندان تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ماقبل تاریخ و عصر حجر نسبت می دهند .

پیدایش حجاب، به دوران پیش از مذهب مربوط می شود و به این دلایل عقیده ی عده ای که می گویند : مذهب ، موجد حجاب می باشد صحت ندارد ، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار موثر بوده است .^۲

در اصول اخلاقی تلمود آمده است : اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت ، چنان چه مثلاً بی آن که چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رشت یا با هر سنخی از مردان درد دل می کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود ، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند ، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد .^۳

در آیین مسیح نیز آمده ، « هم چنین زنان خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز ، نه مزین به زلفها و طلا و مروارید و رخت گران بها .

^۱ مصطفی حسینی دشتی ، همان ، ۱۳۸۵

^۲ عباس رجبی ، حجاب و نقش آن در سلامت روان ، موسسه امام خمینی ، ۱۳۸۵ ، ص ۲۷

^۳ همان ، ص ۳۵ و ۳۶

و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس، بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانیهاست.»

با مطالعه فرهنگ و آداب و رسوم ملل مختلف در کتب و آثار تاریخی قدیم، اگر نگوئیم در میان همه اقوام بشری قدر مسلم در میان اکثر آنها حجاب به اشکال مختلف وجود داشته است.

حجاب در ایران باستان :

نصوصی که بیانگر حجاب زنان ایران باستان است نشان می دهد که زنان در دوره های مختلفی چون دوره مادها، پارسی ها و هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان حجاب و پوشش داشته اند.^۱

حجاب زنان اشکانی :

لباس زنان اشکانی پیراهن بلند تا به روی زمین، گشاد، پرچین آستین دار یا بدون آستین و یقه راست بوده است. پیراهنی دیگر داشته اند که روی اولی می پوشیدند. قد این پیراهن دوم نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سر می کرده اند.

پیراهن ها از پارچه های منقش مخصوصاً قلابدوزی شده تهیه شده است. کفش ساده به پا می کردند. کمربند آنان منحصر به نواری بود که برای جمع کردن گشادی پیراهن در زیر سینه ها می بستند.^۲

پوشش زنان یونان و روم باستان :

دایرة المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می نویسد : زنان یونانی در دوره های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می پوشاندند.

زنان شهر ثیب حجاب خاصی داشته اند. به این صورت که حتی صورتشان را با پارچه می پوشاندند. این پارچه دو منفذ داشت که جلو چشمشان قرار می گرفت تا بتواند ببینند.

حجاب در بین زنان سیبری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد (نارس و عرب) وجود داشته است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بودند بطوری که وقتی از

^۱ عباس رجبی، همان، ص ۳۰ و ۳۱

^۲ طیبیه پارسا، همان، ص ۶۶ تا ۷۴

خانه خارج می شدند ، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می پوشاندند و چیزی از برآمدگی های بدنشان مشخص نمی شد.

این شواهد تاریخی بود که به اختصار ذکر شد و با بررسی و دقت در لباس ملی کشورهای جهان پی می ببریم که حجاب در میان ملل جهان وجود داشته است و از ابتکارات اسلام یا چند کشور خاص نیست.^۱

در زمینه حجاب آیات و روایات مختلفی آمده است که ما در این فصل به بیان آنها می پردازیم :

آیات :

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيزِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۲

ترجمه :

ای پیغمبر « گرامی » به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که خویشان را به چادر فروپوشند که این کار برای این که آنها شناخته شوند تا از تعرض و جسارت آزار نکشند برای آنان بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است .

تفسیر :

اخطار شدید به مزاحمان و شایعه پراکنان به دنبال نهی از ایذاء رسول خدا صلی الله علیه وآله و مؤمنان در آیات گذشته ، در اینجا روی یکی از موارد ایذاء تکیه کرده و برای پیشگیری از آن از دو طریق اقدام می کند : نخست به زنان با ایمان و دستور می دهد که هر گونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده جوینان بگیرند ، سپس با شدیدترین تهدیدی که در آیات قرآن کم نظیر است

منافقان و مزاحمان و شایعه پراکنان را مورد حمله قرار می دهند .

در اینکه منظور از « جلاباب » چیست ، مفسران و ارباب لغت چند معنی برای آن ذکر کردند :

- ۱- ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر و سر و گردن و سینه ها را می پوشاند . ۲- مقنعه و خمار (روسری) ۳- پیراهن گشاد

^۱ فریده مصطفوی خمینی و فاطمه جعفری و رامینی ، زن از منظر اسلام ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۱۹ الی ۱۲۱

^۲ احزاب ، ۵۹

گرچه این معانی با هم با هم متفاوتند ولی یک قدر متشکر دارند و آن اینکه بدن را به وسیله آن بپوشانند .

روایات :

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :

لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَمْشِيَ فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ وَلَكِنَّهَا : تَمْشِي إِلَى جَانِبِ الْحَائِطِ .

شایسته نیست که زن در وسط جاده راه برود ، بلکه شایسته است در کنار دیوار راه برود.^۱

فاطمه سلام الله علیها فرمودند :

خَيْرُ لِلنِّسَاءِ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ^۲

صلاح زنان در این است که مردان بیگانه را نبینند و مردان بیگانه هم آنها را نبینند .
وصایای امیر المؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام :

وَكَفَّ عَنْهُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ مِنْ إِدْخَالِكَ عَلَيْهِنَّ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ.^۳

و با حجاب و پوشاندن چشم های آن ها را از دیدار بازدار (مگذار بیرون رفته چشمشان بر مردم افتد) زیرا سخت گرفتن حجاب (پوشیدگی و آراستگی) برای ایشان پاینده تر است (هر چند در حجاب باشند از تباه کاری ها محفوظند) و بیرون رفتن اینان بدتر نیست از آوردن تو کسی را که از جهت ایشان اعتماد و اطمینانی به او نمی باشد (خواه مرد یا زن ، زیرا گاهی فساد آوردن بعضی از مردم به خانه بیش از بیرون شدن زنان است ، و گاهی فساد آمدن بعضی از زنان نزد ایشان بیش از مردان است) و اگر می توانی کاری کن که غیر تو را نشناسد .

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره عذاب زنان گنه کار در روز قیامت می فرماید :

^۱ حر عاملی ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البيت لاحیاء التراث ، قم ، ۱۴۱۴ ق ، ج ۲۰ ، ص ۱۸۴

^۲ علی نمازی شاهرودی ، مستدرک سفینه البحار ، موسسه نشر اسلامی ، تحقیق حسن بن علی نمازی ، ۱۴۱۹ ق ، ج

۱۰ ص ۵۰

^۳ سید رضی ، نهج البلاغه ، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام ، ۱۳۶۵ ق ، تهران ، صحافی فقیه ، ص ۹۳۹ ، نامه ۳۱

وَأَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِشَعْرِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ لَا تَغْطِي شَعْرَهَا مِنَ الرَّجَالِ^۱

و اما زنی که به موی سرش آویزان بود ، به این دلیل بود که مویش را از نامحرم نمی پوشاند .

حجاب از دیدگاه عقل و فطرت :

خداوند انسان ها را به قوه عقل و اندیشه مجهر نمود ، تا در پرتو بهره گیری درست از آن ، حقایق جهان و واقعیت های زندگی را آن گونه که هست و باید درک کنند .
قرآن کریم با سازگاری کامل با آفرینش انسان ، یکی از مهم ترین منابع ، ابزار و راه های شناخت و معرفت را عقل سلیم دانسته

الف - براساس حکم عقل ، موجود محبوب و هر گوهر دوست داشتنی و ارزشمند باید از دسترس بیگانه دور و محفوظ بماند و گرنه یا از دست می رود یا آسیب می بیند از آن رو زن هم که در ظاهر جنس لطیف و در باطن حقیقت شگرفی است ، دارای محبوبیت و ارزش والایی است و باید در صدف عفاف و پوشش قرار بگیرد تا عظمت ، ارزش و محبوبیت او حفظ و از تماس بیگانه و نگاه او در امان باشد.

از دیدگاه عقل ، آزادی جسمی و رفتارهای دل خواهانه باید به اندازه ای باشد که آزادی روحی و معنوی آسیب نرساند و چون لازمه آزادی بی قید و شرط و بی بند و باری ، اسارت عقل و زندان روح و از میان رفتن استعدادها و توانایی های والای انسانی زن و دیگر افراد جامعه است عمل درستی نخواهد بود .

استعدادهای ملکوتی زن و افراد جامعه اقتضاء می کند که آزادی جسمی و رفتاری و پوشاکی ، تحت کنترل قرار گرفته و بر خلاف مصالح عالی فرد و جامعه نباشد.

بهترین قانون در نظر عقل و اندیشه ، هماهنگی آن با موجودیت انسان و پرورش دهنده استعدادهای والا و تأمین کننده نیازهای واقعی او باشد و از آن جا که تنها خداوند آگاهی کامل و فرا گیر به مخلوقات دارد و انسان شناس و روان شناس بی نظیر و در نتیجه قانون گذار و حاکم مطلق است.

تقلید و پیروی جاهل از عالم یک حکم عقلی است ، یعنی هنگامی که کسی به مصالح و مفاسد و سود و زیان خویش آگاه نیست ، عقل حکم به تقلید و پیروی جاهل

^۱ محمد باقر مجلسی ، همان ، ج ۱۰۰ ص ۲۴۷

از عالم می کند . بر این اساس همه انسان ها باید از دستورهای خداوند عالم اطاعت کنند .

هر عملی که عقلاً قبیح و ناپسند است ، به حسب آیه قرآن و سخن امام معصوم حرام می باشد ، از این رو انحرافات جنسی عقلاً و نقلاً زشت و حرام است .
صفت حیا و عفت در زن و غیرت در مرد یک امر فطری است که خداوند این دو صفت را هنگام آفرینش در ذات انسان قرار داد .
بنابراین زن از نظر فطری و طبیعت عفیف و پاکدامن است و از بی عفتی و برهنگی بیزار است .

فلسفه حجاب :

در این فصل به بررسی فلسفه حجاب می پردازیم :
این قانون چون دیگر قوانین اسلام مبتنی بر حکم و مصالحی است که قانون گذار به اسرار آن آگاه است ولی در حدی که برای بشر قابل درک بوده و خداوند خود خواسته که مردم تا حدودی به مصالح احکام محاکمه بر خویش آگاه باشند تا علاوه بر انگیزه عبودیت انگیزه تشخیص هویت و خاصیت قانون نیز آنها را به عمل به آن کمک می کند.

پایه و اساس این مسئله از جایی آغاز شد که آفریدگار بشر به منظور بقاء این نسل غریزه ای به نام غریزه جنسی به وی داده است و آن را آن چنان پر زور ساخته که به محض فرار رسیدن دوران بلوغ و ترشح غدد جنسی این دو جنس مخالف زن و مرد جهت اطفاء آن سر از پا نشاناسند و بشدت مجذوب یکدیگر باشند تا گاهی باهم جفت شوند.

مشخص است که اگر این غریزه به این شدت نبود هیچ عاقلی تن به تشکیل خانواده نمی داد.

فلسفه حجاب صیانت روحی و معنوی جامعه است ، بدن زن به طور طبیعی برای جنس مخالف جاذبه دارد و معمولاً موجب تحریک جنسی می شود .
حال اگر علاوه بر زیبایی های طبیعی زن به آراستن خود بپردازد و اندام آراسته خود را در معرض دید عموم قرار دهد طبیعی است که از بسیاری سلب آرامش نموده و موجب تحریک جنسی می شود .

در این میان برخی وادار به فساد، از برخی سلب آرامش روحی و درموردی موجب گسستن پیوند خانواده و سست شدن رشته ی الفت بین زوج ها و مفاسد بسیار دیگر می گردد.

مراعات درست حجاب از امور ضروری در پیشگیری از این مفاسد است. نحوه ی پوشش، آرایش و حرکات زن تا حد زیادی نشانگر شخصیت، نحوه ی فکر، گرایش ها و الگوهای ارزشی اوست. البته استفاده از لباس های زیبا و تزئینات در حضور شوهر، زنان دیگر و مردان محرم و کودکان اشکالی ندارد.^۱

پس فلسفه حجاب از یک طرف انحصار کامیابی های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع و از طرف دیگر جلوگیری از طغیان غریزه جنسی و گسترش فساد و تباهی اخلاق در سطح جامعه و در نتیجه حفظ سلامت روانی زن و مرد است.^۲

آثار حجاب :

حجاب در فرد و جامعه آثار و فوایدی دارد که ما در این بخش به آن می پردازیم :

الف - فایده حجاب در بعد فردی :

انسان به حکم ماهیت ترکیبش حتی از طریق ارتباطش با خدا مجبور به وابستگی به دیگران است مخصوصاً به خاطر نیاز به محبت. انسان از طریق مساله عزت در قالب این سخن که «المؤمن عزیز» یعنی مؤمن عزیز و مقتدر است، نیاز به تقدیر از طرف دیگران دارد. حق این است که محبت و عزت هر دو نیازهائی هستند که هر اندازه هم که شخص مسلمان سعی کند از آنها جدا شود باز باید ناچاراً آنها را ارضا کند. شخصیت آگاه مسلمان فقط گرایش به خدا دارد و فقط نیاز به جلب محبت خدا دارد و اگرچه نیروی داشتن دیگران را دارد اما نیازی به جلب محبت دیگران ندارد. احساس زیبایی گرایی یکی از پدیده هایی است که روانشناسان آن را در فهرست سائقه های انسانی قرار داده اند.

^۱، منزلت زن در اندیشه اسلامی،

^۲عباس رجبی، همان، ص ۱۳

اسلام برای این جنبه نیز اهمیت قائل شده و به آن مانند سایر نیازها بُعد عبادی بخشیده است .

حجاب تجلی زیبایی های معنوی زن است . بدون شک رعایت حجاب ، زن را از بسیاری بیماریها بیمه می کند و می تواند طراوت و جمال او را پایدار سازد.^۱ وقتی زن از حجاب خود بیرون آمد آفات فراوانی سلامتی او را از بین می برد . امنیت و آرامش روانی و مصونیت در برابر طمع ورزی های هوس بازان یکی از انگیزه های حجاب است .

ب - حجاب از بعد اجتماعی

حجاب به معنای منزوی کردن زن نیست ، اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد ، برداشتی کاملاً غلط و انحرافی است، به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی قید و شرط زن و مرد جامعه است. این اختلاط هم به ضرر جامعه و هم به ضرر زن و مرد بخصوص به ضرر زن است. حجاب به هیچ وجه مزاحم فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و علمی نیست.

بر خلاف جنجالی که دنیای غرب روی مساله حجاب به عنوان ناقض حقوق و آزادی زن می کند، مساله حجاب به حقوق و آزادی هیچ ارتباطی ندارد. حجاب امری است برای زن و مرد که هریک به نحوی این محدودیت را رعایت کنند. زیرا با شکسته شدن حجاب همان بلایی بر سر زن خواهد آمد که امروز در محیط غربی با سوء استفاده از زن ، شاهد آن هستیم که عبارت است از فساد و فحشاء و بی بند و باری .

حجاب از بعد خانوادگی :

یکی از فواید حجاب در بُعد خانوادگی ، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی به محیط خانواده و در کار ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور ، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر و در نتیجه اسیتحکام بیش تر کانون خانواده می گردد و برعکس فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است.

جایگاه رفیع خانواده در نگرش اسلامی باعث شده که به خانواده به عنوان مهم ترین بنیان اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.^۱

^۱ مهدی صلاح ، کشف حجاب ، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، تهران ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۴

اسلام برای خانواده اهمیت بسیار زیادی قائل است و در جهت ممانعت از تزلزل بنیان خانواده، رعایت ضوابط و حد و مرزها را در محیط جامعه لازم و ضروری می‌داند. فرهنگ اسلامی فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. آثار عمده ای که یک خانواده سالم می‌تواند در رشد و پویایی جامعه ایفا کند، می‌توان چنین برشمرد:

۱- زن و مرد مکمل یکدیگرند و بهترین محل برای رشد و کمال هر دو خانواده است.

۲- ارضای صحیح قوای جنسی در خانواده زمینه ساز سلامت جسم و روان و هم سلامت اجتماعی و مصونیت اخلاقی جامعه را در پی خواهد داشت. یکی از فلسفه های مهم حجاب همین است که با پوشش دادن زن در لباس هایی مناسب، نهاد خانواده را حفظ کند.^۲

کشف حجاب :

استعمار برای آنکه از ملت اسلام، ملتی سست و بی بنیاد بسازد و روح شهامت و شجاعت را در او بمیراند، انواع وسائل سرگرم کننده و عوامل فساد از قبیل: مشروبات الکلی، فیلمهای سکسی و بدآموز، مجالس رقص و ساز و آواز، مدارس مختلط دخترانه و پسرانه، مدل‌های لوس و زننده، شب نشینی های زشت و عمر تباه کن، سینما، تلویزیون با فیلم های بدآموز و... را در میان مسلمین رواج داد و آنان را به این گونه عوامل ضد اخلاقی و ویرانگر سرگرم کرد آنگاه داروندارشان را به یغما برد.

استعمارگران از اواخر قرن شانزدهم و از آغاز قرن هفدهم توطئه های وسیعی را برای استثمار کشورهای دیگر شروع کردند. آنان برای حضور در آن کشورها احتیاج به ابزار، زمینه ها و شرایط مناسب داشتند و چنین دریافته بودند که با حمله نظامی و اشغال فیزیکی یک کشور مدت زمان زیادی نمی‌توانند دوام بیاورند و بالاخره مجبور به از دست دادن حاصل کار خواهند شد همینطور به تجربه و تعلیم متفکران خود فهمیده بودند که هر انسان چنان عمل می‌کند که فکر می‌کند پس باید در فکرها رسوخ کرد و

^۱ محمدرضا زیبایی نژاد- محمد تقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

۱۳۸۳، ص ۸۲ و ۸۳

^۲ فریده مصطفوی خمینی - همان، ص ۱۲۱ و ۱۲۲

آن را تغییر داد و همگام و موافق با خود نمود تا بتوان با کمترین هزینه و کوتاهترین زمان سالها بلکه قرن‌ها در مستعمره حکومت کرد.

همفری کارشناس و جاسوس انگلیسی و سازنده محمد عبدالوهاب در خاطرات خود عنوان می‌دارد که وقتی عازم محل مأموریت خود عربستان، شدم وزیر مستعمرات بریتانیا جمله ای به من گفت: ما اسپانیا را از مسلمین فقط به سبب شراب و فحشا پس گرفتیم و امیدواریم که بتوانیم تمام بلاد را با این دو قدرت نیروند به دست آوریم.

وی در خاطرات خود یکی از علل نیروبخش به مسلمانان و لزوم برنامه ریزی برای نابودی آن را با حجاب بودن زنان بیان کرده، و می‌گوید این امر موجب شده که فساد و فحشا در جوامع آنان سرایت نکند

پس استعمارگر حداکثر کوشش خود را بر مسئله چادر و حجاب زن مسلمان متمرکز داد تا کشورهای مسلمان را تحت سلطه خود قرار دهد،

بین سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۳۰ عده ای از مسئولین اداری فرانسه در الجزایر مأموریت یافتند اصالت ملی الجزایر را نابود کنند. به همین جهت حداکثر کوشش خود را بر مسائلی قرار دادند که به این هدف برسند از جمله این مسائل (چادر) بود، آنها چادر را به منزله علامت اصلی ملی زن الجزایری می‌دانستند و در واقع نابودی حجاب روشی بود برای رسیدن به همه چیز.

پس از شروع جریان استعمار جدید، انگلیس طرح های خطرناکی برای کشورهای منطقه از جمله ایران، ترکیه، افغانستان آغاز کرده اند از جمله این طرحها گسترش فساد و گسترش فرهنگ بی حجابی بود.

سه عنصر پایدار به عنوان اسلام زدایی و جایگزینی فرهنگ غرب مأمور کرد که همزمان در ایران و ترکیه و افغانستان شروع به کار کردند، این سه نفر عبارت بودند از:

۱- رضاخان در ایران

۲- امان الله در افغانستان

۳- کمال آتاتورک در ترکیه

این سه نفر مأمور به کشف حجاب شدند و ضربه شدیدی بر حریم مقدس پوشش زنان وارد کردند.

رضاخان در ایران در تاریخ ۱۷ دی ماه سال ۱۳۱۴ شمسی رسماً اعلام کشف حجاب کرد و آن روز را به عنوان روز کشف حجاب و روز جشن ملی اعلام کرد.^۱ کشف حجاب در جامعه مذهبی و سنتی ایران، اثرات عمده ای بر جای گذاشت که به راحتی قابل ارزیابی نیست.

عمده ترین پیامدهای بی حجابی ایجاد تضادها و تنش های اجتماعی بود که باعث فاصله بین قشر جوان غربزده با کل جامعه می شد.

زنان و دخترانی که روسری و چادر را کنار می گذاشتند، در واقع بین خود و نسل گذشته دیواری ایجاد می کردند و باعث فاصله گرفتن آنان از نسل پیشین می شد. از یک سو نسل پیشین، این عده را منحرف (بی دین ولامذهب) تلقی می کردند و از سوی دیگر اینان بزرگان خود را عقب افتاده و مرتجع می خوانند. لذا فاصله نسلها بیشتر و تنش اجتماعی میان جامعه زیاد شد. این جو باعث شد که دختران غربگرا علاوه بر نفی حجاب در برابر کل ارزشها و شیوه بزرگان خود بایستند و آن را به طور کلی نفی کنند.

از آثار و پیامدهای دیگر بی حجابی در اجتماع، سست شدن پایه های خانواده و افزایش میزان طلاق از یک سو و گسترش فحشا و فساد و بیماری های روانی از سوی دیگر می باشد.

علل بی حجابی :

با رشد سرمایه داری، ماشین های تولیدی گسترش بی اندازه پیدا کرد و همراه با آن نیاز به بازار انبوه پدید آمد چون زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می دادند. سودخواران در رشته زیبائی زنان به بهره برداری از آن پرداختند در نتیجه رشته مد به تدریج از محدوده باریک ثروتمندان فراتر رفت و همه زنان را در بر گرفت.^۲

برای برآوردن نیازهای این بخش از تجارت بزرگ، بر تمایز طبقاتی پرده ای کشیدند و آنان را در پشت همانندی و یکسانی جنسی پنهان کردند.

بعد فروشندهگان اجیر شده آگهی بر طبق یکنواخت و خسته کننده تبلیغات کوشند همه زنها می خواهند زیبا باشند پس همه زنها به مد و آرایش نیاز دارند. مد طبقه بالا

^۱ محمد محمدی اشتهاردی، حجاب بیانگر شخصیت زن، ناصر، چاپخانه فروردین، چاپ اول، ۱۳۷۵

^۲ ایولین رید، همان، ص ۸۲

را با زیبایی یکسان دانستند و زنان به سبب زیبایی های خریدنی به نیازها و خواست هاس مشترک خود دلبسته شدند.

امروزه در هر بخش از رشته های زیبایی سودهای سرشار به دست می آید .
دنیای آرایش و مد با فرصت ها و امکان های نامحدود و خود معدن طلای سرمایه داران شد. در این رشته ها بازرگانان تنها می بایست مد را بارها تغییر دهند و وسائل زیبا سازی بیشتر و تازه تری را به بار آورند تا پولدار و پولدارتر شوند.^۱
آیا اسلام که امر به پوشیدگی زن و مرد داده است زیبایی را در نظر نگرفته است چون زن به زینت کردن و آرایش بسیار علاقه دارد ؟

از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال شد که مهمترین زنان چه کسانی هستند ، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : آنان که از همه زیباتر و مهرشان کمتر است، هم چنین اسلام به ضمن اینکه زیبایی زن را مورد تأکید قرار داده است، ضمناً هشدار داده که زیبایی منهای نجابت و پاک دامنی هرگز نمی توان به آن اعتماد کرد.
نکته ای که زن باید فراموش نکند این است که آرایش و خودنمایی زن باید تنها در ارتباط با همسرش باشد ، و الا آرایش و خودنمایی زن به خاطر غیر شوهر علاوه بر اینکه چنین رفتاری از نظر اسلام ممدوح نیست ، بلکه حرام و ممنوع است چه این کار موجب گسترش فساد و تباهی و از هم پاشیدگی خانواده ها می گردد.

وضعیت زن در غرب و اسلام :

اگر پا به جامعه غرب بگذاریم و به دقت در رفتار و گفتار و روابط اجتماعی بنگریم حیات فردی و اجتماعی را بر دو محور خواهیم یافت :

۱- احساس و تجربه

۲- شهوت و ارضاء امیال حیوانی .

پراگماتیسم ، شناخت تجربی را محور واقعیت قرار داد و فرویدسیم غریزه جنسی را. در دیدگاه غرب « حجاب » به اسارت کشیدن زن است . حجاب علت سرخوردگیهای شهوت است و این ، عقیده حقارت را به دنبال می آورد.
بنابراین برای این که جلوی عقده حقارت را بگیریم باید زن و مرد را در خواسته های جنسی و هواهای نفسانی کاملاً آزاد بگذاریم.

^۱ ایولین رید ، همان ، ص ۸۴

فروید و اتباع وی مدعی هستند که اخلاق کهن را در امور جنسی باید واژگون کرد و اخلاق جدیدی را جایگزین آن نمود.

آزادی زن در غرب، آزادی در سرنوشت، عقیده، سیاست، تفکر و اقتصاد نیست. بلکه آزادی در شهوت است در این که آلت هوسرانی مرد قرار گیرد. این گونه آزادی بر پایه همان بینشی است که می گوید، اساس شناخت تجربه و حس و احساس محور حیات انسانی غریزه جنسی است.

در صورتی که اسلام در جبهه مقابل این بینش است آزادی در بندگی شهوت نیست، آزادی در عبودیت خدای متعال است و خداوند امر کرده به رعایت حجاب و پوشش.

حقیقت آن است که سنت و مدرنیته در برخورد با زنان به خلاف تفاوت‌های ظاهری، دقیقاً مشابه عمل کرده اند، هر دو بر حقیقت زنانگی چشم فرو بسته اند و با تکیه بر موهومات ذهنی، ره افسانه پیش گرفته اند.

واپس گرایی و نوگرایی در یک نقطه یکدیگر را قطع می کنند: «نادیده انگاری واقعیت زن و حقیقت زنانگی»

واپس گرایان با چشم بستن بر همه ادله و شواهد عقلی و نقلی، که انسانیت تام و تمام زنان را گواهی می دهد، به تصویری خیالی از او بسنده کردند، تصویر موهومی که در آن فقط پاره ای از واقعیت به چشم می خورد: زنانگی، اما پاره دیگر - یعنی موجودیت انسانی زن ... در هاله ای از ابهام قرار دارد.

رویه گذشتگان، زن را فاقد عقل، درایت و انسانیت می داند، حیوانی فقیر و فتنه انگیز، بازیچه ای برای کامجویی و سرگرمی مردان و مایه شرمساری خانواده.

اما نوگرایان اگرچه پاره پنهان انسانیت زنان را آشکار کردند، پاره پیدا - زن بودن زنان - را در محاق فرو بردند.

اسلام نه انسانیت زن را منکر شد و نه زنانگی او را نادیده گرفت، بلکه قرص کامل ماه را دید، او را انسانی متفاوت و مستقل از مردان معرفی کرد. از منظر اسلام، زن منظر تمام است، اما با همه اوصاف و ویژگی های که وجود او را از مردان متمایز می کند. زن حضور دارد اما به نفع مرد مصادره نمی شود.

در مقابل اسلام تفاوت های انکارناپذیر زنان و مردان را به رسمیت شناخته، آن ها را نقطه عزیمت احکام و فرمان های دینی برای دفاع از زنان قرار داده است. بر این پایه،

از آن جا که تفاوت های زیستی و قدرتی زنان با مردان آنها را در موقعیتی آسیب پذیرتر از مردان قرار می دهد ، تدابیری ویژه محدودیت روابط افراد نا آشنا و بیگانه برای دفاع و مصون ماندن زنان تعدی مردان در نظر گرفته شده است.

آثار بی حجابی :

هرگاه زن ، پوشش خود را حفظ نکند و با عشوه گری و ناز به تحریک مردان بپردازد و خود را عریان کند مردان به طور طبیعی در یک حالت تحریک دائم قرار می گیرند ، و چون در هر لحظه قدرت ارضاء جنسی را ندارند و همین موجب هیجان های عصبی و اضطراب خواهد شد.

و چنانکه پزشکان روانی گویند : هیجان مستمر موجب بیماری روانی خواهد شد. در صورتی که اسلام با دستور پوشش به زنان وضع چشم چرانی برای مردان خواسته که انسانها در یک جامعه اعصابی آرام داشته باشند و به دور از افکار نگران کننده به دنبال رشد و تعالی جامعه خود باشند.

بعبارت دیگر پوشش ، غریزه جنسی مرد و زن را کنترل می کند. بدحجابی زمینه هیجانات روحی را که منشأ برخی از بیماریهای جسمی است فراهم می کنند و همچنین زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری های مقاربتی است را به همراه می آورد.

بی حجابی و آرایش غریزه جنسی را تحریک می کند و این تحریک مردان را تبدیل به کانون خطری برای زنان می کند و امنیت فردی زنان را بر هم می زند. عدم مهار این غریزه قدرتمند و سرکش پیامدهای بسیار خطرناکی برای جوامع دارد که امروزه گریبانگر بسیاری از جوامع می شده آمارهای تکان دهنده ای از جنایات جنسی ، تجاوز به عنف ، قتل ها و دیگر خشونت ها با انگیزه های جنسی اعلام شده ابعاد فاجعه را روشن می کند.

در تمدن هایی که معنویات و دین و روح دینی در آن وجود ندارد ، انسان نوعی حیوان محسوب می شود و زندگی انسان در همین چند سال عمر خلاصه می شود ، هدف نهایی و اصلی در چنین جهان بینی «لذت طلبی» است و یکی از چیزهایی که به انسان لذت می بخشد «تن و جسم» انسان است ، قطعاً لباس هم تنها وسیله ای برای پوشیدن تن نخواهد بود بلکه برای آرایش آن است.

در بینش اسلامی و تمدن های الهی ، انسان در «تن» خلاصه نشده بلکه به مراتب بالاتر از آن است ، انسان یک موجود «خداگونه» است که هدفش تنها لذت طلبی نبوده بلکه کمال جویی معنوی است.

حضور زیاد و همیشگی فرد در صحنه های شهوت انگیز ، او را در یک حالت میل و نیاز دائم در امور شهوانی نگه می دارد . این افراد از آنجا که درون شان به واسطه محیط آلوده ، دائماً در حال تغذیه و فاسد و پر شدن از میل و حرص شدید می باشد ، از چنین افرادی نباید انتظار رعایت حقوق ، آبرو ، روابط عاطفی ، محرم و یا نامحرم بودن ، همجنس یا غیر هم جنس بودن و حتی گاهی اوقات حیوان بودن را داشته باشند و درک کنند .

امام علی علیه السلام می فرمایند : شخص حریص حیایی ندارد .^۱

واضح است که وقتی یک جامعه پاکی و سلامت خود را از دست داد انگیزه ها و محرک های جنسی زیاد می شود و استعدادهایی که باید صرف تعلیم و سازندگی و تولید قرار گیرد متوجه خود آرایی ها و تفاخر نسبت به دیگران می گردد.

مثلاً امروزه در غرب وجود مراکز بهداشتی در کنار دبیرستان ها و دانشگاه ها ، برای مراجعه دختران محصل جهت سقط جنین ، امر عادی شده است .

وقتی هر گونه حد و مرزی بین دختر و پسر برداشته شود و هیچ گونه محدودیتی بین آن دو نباشد ، وجود این گونه مراکز نباید عجیب به نظر برسد بلکه امر ضروری است .

طرفداران آزادی و حامیان عنان گسیختگی می گویند ، سرکوبی غریزه با خودداری از اعمال آن ، علت اصلی جوع و ولع سیری ناپذیر جنسی و دل مشغولی دائم و طاقت فرسا به موضوع جنس است.

جای انکار نیست که هرگاه خودداری مدتی دراز و بدون سببی معقول ادامه یابد این تبعات را در پی خواهد داشت.

ولی باید دید که نتیجه بی بند و باری و شهوت رانی بی حد و قید چه خواهد بود ؟ در عصر حاضر همگی کشورها اعم از شرق و غرب کامرانیهای جنسی را مباح و محترم می شمردند و دولت ها یا آن را نادیده می گیرند یا صریحاً به آن پرداخته و

^۱ غرر الحکم ، ج ۶ ، ص ۳۵۸

فرصت ها را برای اشباع این غریزه به دور از هر گونه زجر و بیم و هراسی فراهم می آورند.

در این صورت چرا این جوع و ولع فرو نشسته و تخفیف و تسکین نیافته است ؟ چرا دل مشغولی به مسائل جنسی در این عصر از همه اعصار فزونتر است ؟ یکی از ایرادهائی که بر حجاب می گیرند این است که سبب رکود فعالیت های است که خلقت در استعداد زن قرار داده است.

زن مانند مرد دارای ذوق ، فکر ، فهم ، هوش و استعداد کار است این استعداد ها را خدا به او داده است و بیهوده نیست و باید به ثمر برسد. بازداشتن زن از استعدادهای که خدا به او داده است نه تنها ستم به زن است ، خیانت به اجتماع نیز هست ، هر چیزی که سبب شود و قوای طبیعی و خدادادی انسان بی اثر بماند به زیان اجتماع است.

زن نیز انسان است و اجتماع باید از کار و فعالیت این عامل و نیروی تولید بهره مند گردد . فلج کردن این عامل تضییع حقوق زن و هم بر خلاف حق اجتماع است. اسلام نمی خواهد که زن به صورت موجود مهمای درآید که کارش از بین بردن ثروت و فاسد کردن اخلاق اجتماع و خراب کردن بنیان خانواده باشد. اسلام هیچ گاه با فعالیت اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی مخالف نیست.

در اوضاع و احوال تجدید یابی حاضر ، زنی پیدا نمی کنید که نیروی او واقعاً صرف فعالیت های مفید اجتماع یا فرهنگی و اقتصادی شود.

فقط یک نوع فعالیت اقتصادی رایج شده که باید ثمره آن را بی حجابی دانست و آن اینکه بنکدار به جای این که بکوشد جنس بهتر و مرغوب تر برای مشتریان تهیه کند یک مانکن را به عنوان فروشنده می آورد. نیروی زنانگی و سرمایه عصمت و عفاف او را استخدام می مند و وسیله پول در آوردن و خالی کردن جیب ها می کند.

نتیجه :

از آن جایی که زن دارای غریزه تبرز و خودنمایی است و اگر مانعی در کار نباشد دوست هر چه بیشتر خود را عریان کند تا نظر مرد را به خود متمایل کند و از آن طرف مرد نیز دارای قدرت غریزه جنسی قوی است ، که اگر مانعی در کار نباشد می خواهد بر همه زنان عالم تسلط پیدا کند و هیچ گاه از این کار خسته نمی شود مانند تصاحب مقام و ملک و ...

اما بهترین مانع همان حجاب و پوشش زن است که اسلام معرفی کرده است تا مرد و زن بتوانند در کنار یکدیگر به امور اجتماعی بپردازند و جامعه در جهت رشد و تعالی خود حرکت کند و در این چنین جوامعی، خانواده های سالمی خواهیم داشت که فرزندان سالم تربیت می کنند و زن و شوهر به یکدیگر اطمینان دارند.

اما بالعکس اگر در جامعه ای پوشش و حجاب رعایت نشود مانند جوامع غربی آثار زیان بار زیادی خواهد داشت که باعث مشکلات و معضلات حادی در جامعه خواهد شد در این بین بیشترین آسیب بر زن وارد می شود که با رعایت پوشش و حجاب این معضلات برطرف می شود.

فهرست منابع:

۱	* قرآن کریم ، ترجمه مهدی الهی قمشه ای
۲	* نهج البلاغه ، ترجمه فیض الاسلام ، انتشارات فقیه، تهران ، ۱۳۶۵.
۳	پارسا ، طیبه ، پوشش زن در گستره تاریخ ، احسن الحديث ، قم ، ۱۳۷۸
۴	حر عاملی ، وسائل الشیعه ، تحقیق شیخ محمد رازی ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ۱۴۱۴ قم
۵	حسینی دشتی ، سید مصطفی ، معارف و معاریف ، آرایه ، ۱۳۸۵
۶	رجبی ، عباس ، حجاب و نقش آن در سلامت روان ، موسسه امام خمینی ، ۱۳۸۵
۷	زیبایی نژاد ، محمدرضا و سبحانی محمد تقی ، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام ، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ، قم ، ۱۳۷۹
۸	صلاح ، مهدی ، کشف حجاب ، موسسه مطالعات پژوهشهای سیاسی ، تهران ، ۱۳۸۴
۹	صوفی مریم ، فرهنگ معلم ، فراین ، ۱۳۸۰
۱۰	عمید ، حسن ، فرهنگ عمید ، ۱۳۷۵
۱۱	لویس معلوف ، المنجد ، محمد بندرریگی ، ایران ، ۱۳۸۲
۱۲	مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، موسسه الوفاء بیروت همدان ، ۱۴۰۳ ق
۱۳	محمدی اشتهاردی ، محمد ، حجاب بیانگر شخصیت زن ، انتشارات ناصر ، قم ، ۱۳۷۵
۱۴	مصطفوی خمینی ، فریده ، زن از منظر اسلام ، بوستان کتاب قم ۱۳۸۲
۱۵	معین محمد ، فرهنگ معین ، زرین ، ۱۳۸۲
۱۶	نمازی شاهرودی ، شیخ علی ، مستدرک سفینه البحار ، تحقیق شیخ حسن بن علی نمازی ، موسسه نشر اسلامی ، ۱۴۱۹ ق